

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و  
ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



دریافت برنامه ریزی و مشاوره

از مشاوران رتبه برتر

هوشه کنکوری آیدی نوین

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۴







וְשֵׁנָה  
וְשֵׁנָה  
וְשֵׁנָה  
וְשֵׁנָה  
וְשֵׁנָה



نخست باید به این پرسش پاسخ گفت که هدف از یادگیری دستور زبان چیست؟ می‌دانیم که اساس یادگیری زبان و درست سخن گفتن و درست نوشتن، تمرین و ممارست است نه آموختن دستور زبان؛ کسی زبان را درست می‌آموزد که بسیار بشنود، بسیار سخن بگوید، بسیار بخواند و بسیار بنویسد و البته در همه آن‌ها دقت بگمارد. بسیاری از نویسندگان معروف که امروزه ما در قواعد دستور از آنان مثال می‌آوریم، دستور نخوانده بودند و دستور نمی‌دانستند اما با تمرین و ممارست و دقت در آثار نویسندگان دیگر و طبیعت زبان که در محاورات اکثریت مردم تجلی می‌کند، روح زبان را دریافته و آن را به درستی به کار برده‌اند. این سخنان هرچند درست است، اما بدان معنی نیست که دانش‌آموزان و دانشجویان نیازی به فراگیری دستور ندارند؛ زیرا برای شناخت درست و علمی زبان و برای جلوگیری از نابسامانی و گزینش‌های نابجای واژه‌ها و نیز عملکرد درست در واژه‌سازی در مقابل مفاهیم جدیدی که وارد جامعه می‌شوند یا در جامعه پدید می‌آیند و نیز در مدارس و سازمان‌های انتشاراتی برای توجیه و روشنگری تصحیحاتی که در نوشته‌ها و مقاله‌ها و کتاب‌ها به عمل می‌آید و نیز برای سهولت یادگیری زبان‌های بیگانه، آموختن دستور، اگر ضرورت نداشته باشد، سودمند است و سودمندی آن در حلی است که ما را وادار می‌کند دستور یاد بگیریم و درست هم یاد بگیریم.

\* یکی از نابسامانی‌هایی که در کار دستورنویسی هست، آمیختگی گونه‌های زبان در آن‌ها است. زبان فارسی نیز مانند هر زبان دیگر در طول عمر دراز خود دگرگونی‌های فراوانی پیدا کرده است، چنان‌که زبان دوره قاجاریان با زبان دوره غزنویان تفاوت‌های آشکار دارد و علاوه بر این، زبان فارسی از نظر مکان نیز دارای گونه‌های متفاوتی است. مثلاً زبانی که در کرمان بدان سخن می‌گویند نه تنها از جهت لهجه، بلکه از جهت واژگان نیز با زبان فارسی تهران متفاوت است. در خود تهران نیز مانند دیگر شهرها لافل دو گونه زبان می‌توان تشخیص داد: زبان گفتار، زبان نوشتار. مثلاً در تهران موقع حرف زدن می‌گویند: «وقتی که علی اومد خونه بهش گفتم» در حالی که صورت نوشتاری این عبارت چنین است: «وقتی که علی به خانه آمد به او گفتم».

\* در کتاب درسی از دستور زبانی سخن به میان آمده که زبان فارسی امروز مرکز ایران یعنی تهران و زبان نوشتار است نه زبان گفتار. (= زبان معیار) اما از آن‌جا که متن‌های کهن فارسی، عموماً در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌گردد، مختصری از دستور تاریخی زبان فارسی آمده است.

\* در کتاب‌های جدیدالتألیف ادبیات فارسی «دستور زبان فارسی» در «قلمرو زبانی» آمده است. از آن‌جایی که پیوستگی مطالب در کتاب درسی به گونه‌ای نیست که دانش‌آموزان عزیز به راحتی بتوانند مطالب را بیاموزند و به خاطر بسپارند، سعی کرده‌ایم مباحث دستوری فارسی دهم، یازدهم و دوازدهم را به گونه‌ای ارائه کنیم که دانش‌پژوهان عزیز به راحتی بتوانند به موضوعات تسلط یابند و نیاز به کتاب دیگری نداشته باشند. مباحث دستور زبان فارسی در چند فصل ارائه شده‌اند:

- ۱- نقش کلمات      ۲- ساختمان واژه      ۳- گروه اسمی  
۴- گروه فعلی      ۵- واحدهای زبان      ۶- مباحث پراکنده

ابتدا با وسواس بسیار زیاد مباحث تدریس شده و پس از آن پرسش‌های چهارگزینه‌ای آورده شده‌اند. امیدوارم شما دانش‌آموزان و داوطلبان عزیز با مطالعه این کتاب و تجزیه و تحلیل تست‌ها نیاز به منبع دیگری نداشته باشید و در نهایت به هدف اصلی خود که ورود به بهترین دانشگاه‌ها و رشته‌ها است، دست یابید. ضمناً دست‌ورشناسان فاضل و دانشمند و استادان و دبیران بزرگوار چنانچه لغزش و کاستی در بیان مطالب مشاهده کردند با اغماض ننگرند و خطاپوشی نکنند و همه موارد را با نظرات صائب و سازنده خود به مؤلف یادآوری کنند تا اگر توفیق و فرصتی بود در چاپ‌های بعد اصلاح گردد.

\* در پایان سزاوار است از همه عزیزان و بزرگوارانی که در انجام این کتاب مددکار و یاریگر اینجانب بوده‌اند قدردانی و تشکر نمایم:

- ۱- جناب آقای یحیی دهقانی مدیر عامل محترم انتشارات مبتکران
- ۲- استاد گرانقدر و فاضلم جناب آقای مهندس هادی عزیززاده دبیر محترم مجموعه مبتکران
- ۳- جناب آقای مهندس بابک نهرینی که بسیار به بنده لطف داشته‌اند.
- ۴- سرکار خانم‌ها سائنا صلح‌جو (حروفچینی و صفحه‌آرایی)، آرزو گل‌فر (گرافیکست) و مینا هرمزی (طراح جلد) و طوبی عینی‌پور (نمونه‌خوان) که در به ثمر رسیدن کتاب بسیار زحمت کشیده‌اند.
- ۵- سرکار خانم زهرا دانشور که با وسواس و دقت بسیار زیاد زحمت بازخوانی مطالب را بر عهده داشته‌اند.
- ۶- آقایان دکتر هامون سبطی و دکتر علی سلطانی گردفرامرزی و سرکار خانم رضایی که همیشه از نظرات صائب و سازنده‌شان بهره برده‌ام.

علی احمدنیا - پاییز ۹۷

دکتر علی احمدنیا:

- دکترای زبان و ادبیات فارسی
- استاد دانشگاه و مدرس ادبیات کنکور
- مؤلف بیش از ۱۵ جلد کتاب در زمینه ادبیات
- ارائه مقالات علمی و پژوهشی در زمینه ادبیات
- ارائه DVDهای آموزشی
- مدرس مراکز «خرد» - ابوریحان - روشنگران و آموزشگاه هدف»

استادان بزرگوار، دانش‌پژوهان و داوطلبان عزیز کنکور می‌توانند به صورت مستقیم با مؤلف کتاب ارتباط داشته باشند و نظرات خود را در میان بگذارند:

**tome/adabiat\_ahmadnia**

|                                 |     |
|---------------------------------|-----|
| فصل یکم: نقش کلمات              | ۷   |
| پرسش‌های چهارگزینه‌ای           | ۱۷  |
| فصل دوم: ساختمان واژه           | ۵۳  |
| پرسش‌های چهارگزینه‌ای           | ۶۱  |
| فصل سوم: گروه اسمی              | ۱۰۷ |
| پرسش‌های چهارگزینه‌ای           | ۱۱۸ |
| فصل چهارم: گروه فعلی            | ۱۷۱ |
| پرسش‌های چهارگزینه‌ای           | ۱۸۷ |
| فصل پنجم: واحدهای زبان          | ۱۹۹ |
| پرسش‌های چهارگزینه‌ای           | ۲۱۱ |
| فصل ششم: مباحث پراکنده          | ۲۲۷ |
| پرسش‌های چهارگزینه‌ای           | ۲۴۸ |
| فصل هفتم: بررسی قلمرو زبانی دهم | ۳۰۱ |
| بررسی قلمرو زبانی یازدهم        | ۳۲۳ |
| بررسی قلمرو زبانی دوازدهم       | ۳۴۳ |

# فصل یکم:



## نقش کلمات

### پرسش های چهارگزینه ای نقش کلمات

فارسی دهم، درس های: ۱-۵-۸-۱۱-۱۲-۱۶-۱۷-۱۸  
فارسی یازدهم، درس های: ۲-۳-۱۷  
فارسی دوازدهم، درس های: ۵-۷-۹-۱۴

- الف) نقش‌های اصلی ← «نهاد - مفعول - متمم فعل (= متمم اجباری) - مسند - منادا»  
 ب) نقش‌های غیر اصلی ← «نقش قیدی - متمم اختیاری - نقش اضافی (= مضاف‌الیه) - نقش وصفی (= صفتی)»  
 ج) نقش‌های تبعی ← «معطوف - بدل - تکرار»

۱- نهاد: دارنده خبر است که گزاره درباره آن خبر می‌دهد:

۱- نهاد یک جزء اصلی جمله است؛ چه در جمله بیاید و چه نیاید.

پیوسته ← ضمیرهای پیوندی فاعلی هستند که نمی‌توان آن‌ها را از فعل جدا

کرد: تلاش می‌کنیم تا موفق شویم. (م، ی، د - یم - ید - ند)

جدا ← می‌توان آن‌ها را از جمله جدا کرد. (معمولاً «اسم» - ضمیر - صفت و

جانشین اسم) این نقش را عهده‌دار است.

مثال یکی قطره باران ز ابری چکید

نهاد جدا

مثال وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها بی‌خویشتم کردی بوی گل و ریحانها

نهاد جدا

نهاد جدا



برای این که راحت‌تر بتوانید به نقش کلمات در جمله‌ها پی ببرید بهتر است ابتدا جمله‌ها را به زبان فارسی معیار مرتب کنیم و سپس نقش کلمه را مشخص کنیم. سعی کنید ضمائر متصل (= پیوسته) را به صورت ضمیر منفصل بنویسید.

۲- نقش مفعولی:

فرمول پیدا کردن مفعول: } چه کسی را؟  
 + فعل جمله ← مفعول  
 چه چیزی را؟

۱- تکواژه «را» نشانه مفعول در فارسی معیار است؛ یعنی آمدن «را» پس از گروه اسمی نشانه مفعول بودن آن گروه است اما در بسیاری از جمله‌ها، مفعول به همراه «را» نمی‌آید.

۲- برای یافتن مفعول باید به سراغ فعل‌هایی برویم که «گذرا به مفعول» هستند؛ زیرا بعضی فعل‌ها احتیاج به مفعول ندارند.

\* تعدادی از فعل‌های گذرا به مفعول:

آزردن - آزمودن - آشامیدن - آمرزیدن - آوردن - افروختن - اندوختن - بافتن - بخشودن - بوسیدن - پراکندن - پوشیدن - تراشیدن - داشتن - دریدن - فهمیدن - شنیدن - نوشتن -

یافتن - بر افراشتن - برانداختن - دریافتن - بازیافتن - دوست داشتن - فراموش کردن - زیر گرفتن - در پی داشتن و ...

\* در تمام این فعل‌ها، زمانیکه سؤال: «چه کسی را؟ / چه چیزی را؟» را مطرح کنیم، فعل دارای جواب منطقی و درست است.

۳- در مواردی، مفعول، به قرینه معنوی حذف می‌شود. در اغلب این موارد در جمله یک «متّم» به همراه حرف اضافه «از» یا «جز» در توضیح مفعول حذف شده، وجود دارد و می‌توان اسم مبهم «چیزی» را به جای «مفعول» در جمله جاگذاری کرد:

- از این غذا بخور = از این غذا [چیزی] بخور.

- از پدر بگو = از پدر [چیزی] بگو

- جز سخن حق بر زبان نیاور = جز سخن حق [چیزی] بر زبان نیاور.

۳- نقش متّم: کلمه‌ای است که پس از حرف اضافه می‌آید.

حروف اضافه مهم عبارت‌اند از: به - با - در - برای - از - اندر و ....

۱- کلمات: «چو - چون (در معنی «مثل و مانند») - که (به معنی «از») - تا (وقتی بتوان بعد از آن «به» آورد) - مگر (به معنی «به جز») - بهر (به معنی «برای») حرف اضافه هستند.

۲- نقش متّم به دو صورت «اجباری» و «اختیاری» است. نوع اوّل در نقش اصلی و نوع دوم، فرعی است.

«متّم اجباری» چنانچه در جمله نباشد معنی و مفهوم جمله ناقص خواهد بود و «فعل» برای تمام شدن معنی به آنها نیاز دارد. مثل:

|             |             |             |
|-------------|-------------|-------------|
| ترسیدن ← از | چسبیدن ← به | رهیدن ← از  |
| باختن ← به  | رنجیدن ← از | فروختن ← به |
| شنیدن ← از  | جنگیدن ← با |             |

۳- در متون قدیم (سبک خراسانی) برای یک متّم، دو حرف اضافه به کار می‌رفته است:

مثال: به رستم بر، آنگه ببارید تیر  
تَهْمَتَن بدو گفت: برخیره خیر  
↓ ↓  
دو حرف اضافه (به - بر)

مثال: بگیر و به گیسوی او بر، بدوز  
به نیک اختر و فال گیتی فروز  
↓ ↓  
دو حرف اضافه (به - بر)

## ۴- نقش مسند:

«مسند» برخلاف «مفعول» و «متمم» نشانه یا نقش نما ندارد. تنها نشانه «مسند» نشستن آن در کنار «فعل اسنادی» است. برای یافتن «مسند» ابتدا به سراغ فعل «اسنادی» می‌رویم و وقتی «فعل اسنادی» را پیدا کردیم سؤال زیر را مطرح می‌کنیم:

«چه - که - چگونه - ... + فعل اسنادی؟ ← مسند

۱- «مسند» فقط در جمله‌ای وجود دارد که فعل اسنادی باشد؛ چنانچه فعل اسنادی نباشد، «مسندی» هم وجود نخواهد داشت.

فعل‌های اسنادی عبارت‌اند از:

۱- است - بود - شد - گشت - گردید (و هم معنی‌ها)

به نظر رسیدن - به نظر آمدن (در معنی «است») - نمودن (است) - ماندن (است) فعل اسنادی هستند.

۲- نامیدن - خواندن - صدا زدن و ...

۳- شمردن - به شمار آوردن - به حساب آوردن و ...

۴- پنداشتن - دانستن - دیدن - یافتن و ...

۲- چنانچه «است، هست، بود» در معنی «وجود داشتن» به کار روند فعل «اسنادی» نیستند:

«که جایی که دریاست من کیستم؟

گر او هست حقاً که من نیستم»

وجود دارد فعل اسنادی

(غیر اسنادی)

۳- گاهی «مسند» یک گروه «متممی» است «حرف اضافه و متمم» با هم «نقش مسند» واقع

شده‌اند:

«اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب

گر ذوق نیست تو را طبع جانوری»

فعل اسنادی

است = فعل اسنادی (چگونه است؟) ← مسند: در حالت و طرب

۵- نقش منادا: هرگاه گروه اسمی مورد خطاب قرار گیرد «نقش منادایی» خواهد داشت (منادا

گروه اسمی است که پس از حرف ندا می‌آید)

حروف ندا عبارت‌اند از: ای - ایا - یا - ایها - الف در آخر منادا

مثال ای چشم! ببین و ای دست! کاری بکن که سزااست.

منادا

منادا

مثال۱ ایا شاه محمود کشورگشا ز کس گر نترسی بترس از خدا

منادا

مثال۲ بسوز ای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو/ کجا دیدی که بی آتش، کسی را بوی عود آید

منادا

۱- گاهی منادا بدون حرف ندا می آید که از راه معنا و آهنگ کلام به منادا پی می بریم:  
حافظ! از باد خزان در چمن دهر مرنج فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست  
منادا (ای حافظ)

۲- گاهی ممکن است «منادا» حذف شود. (در این صورت اغلب، منادای محذوف «کسی که» است):

ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد  
حرف ندا (کسی که = منادای محذوف)

۳- دقت داشته باشید همیشه «ای» حرف ندا نیست گاهی ممکن است با کلمه دیگری به صورت «صوت» به کار رود:

مثال۳ «ای دریغا، ای دریغا ای دریغ» کآنچنان ماهی نهان شد زیر میغ  
صوت صوت صوت

مثال۴ «ریش بر می کند و می گفت ای دریغ» کآفتاب نعمتم شد زیر میغ  
صوت

ب) نقش‌های غیر اصلی:

۵- نقش قیدی:

- گروه اسمی در جمله ممکن است به زمان و مکان و مفاهیمی از این گونه دلالت نماید و فعل جمله را به این مفاهیم مقید سازد. در چنین مواردی اسم «نقش قیدی» خواهد داشت:

مثال۵ کنون رود خلق است دریای جوشان همه خوشه خشم شد خرمن من  
قید

مثال۶ بعد سه روز و سه شب، حیران و زار بر دکان بنشسته بُد نومیدوار  
قید قید

مثال۷ حسرت نبرم به خواب آن مرداب کآرام درون دشت شب خفته است  
قید قید

مثال۸ گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب کآشوب در تمامی ذرات عالم است  
قید

\*

۱- چنانچه قید از جمله حذف شود مفهوم جمله ناقص نمی‌شود (زیرا قید از ارکان اصلی جمله نیست)

۲- بعضی از قیدها «نشانه‌دار» هستند (یعنی با «تنوین»، «ال» یا «حرف جر» همراه هستند و بعضی از قیدها بی‌نشانه هستند.

۳- تمام کلمات تنوین‌دار در فارسی نقش قیدی دارند: عملاً، اولاً، اتفاقاً، اصولاً و ...

۶- نقش اضافی (مضاف‌الیه):

۷- نقش وصفی (صفتی):

هرگاه دو کلمه با کسره به هم اضافه شوند کلمه‌ای که پس از کسره می‌آید یا مضاف‌الیه است یا صفت (یا نقش «اضافی» دارد یا نقش «وصفی» (صفتی)).

کلمه اول که هسته گروه اسمی است نقش اصلی را دارد و کلمه بعد از کسره نقش فرعی (مضاف‌الیه یا صفت)

راه‌های تشخیص مضاف‌الیه و صفت:

۱- کسره اضافه را حذف می‌کنیم و در آخر آن «است» یا «هستند» می‌آوریم، اگر معنی بدهد ترکیب وصفی است و کلمه بعد از کسره نقش وصفی (صفت) دارد و اگر معنی ندهد ترکیب اضافی است و کلمه بعد از کسره نقش اضافی (مضاف‌الیه) دارد.

مثال غروب زیبا ← غروب، زیبا است (معنی می‌دهد پس «زیبا» صفت است)

غروب آفتاب ← غروب، آفتاب است (معنی نمی‌دهد پس «آفتاب» مضاف‌الیه است)

۲- به آخر ترکیب «تر» اضافه می‌کنیم، اگر معنی داد ترکیب وصفی است و کلمه دوم «صفت» است و اگر معنی نداد کلمه دوم «مضاف‌الیه» است و ترکیب، اضافی است.

مثال معلم آگاه ← معلم آگاه[تر] ← معنی می‌دهد پس «آگاه» صفت است.

معلم مدرسه ← معلم مدرسه[تر] ← معنی نمی‌دهد پس «مدرسه» مضاف‌الیه است.

۳- بین دو کلمه «ی نکره» و «بسیار» بیاوریم اگر معنی داد ترکیب وصفی است و کلمه دوم «صفت» است و اگر معنی نداد ترکیب اضافی است و کلمه دوم «مضاف‌الیه» است.

مثال زنگ گوش خراش ← زنگ [بسیار] گوش خراش / زنگ[ی] گوش خراش ← معنی می‌دهد؛ پس «گوش خراش» صفت است.

مثال زنگ کلاس ← زنگ [بسیار] کلاس / زنگ[ی] کلاس ← معنی نمی‌دهد؛ پس «کلاس» مضاف‌الیه است.

۴- مضاف‌الیه «اسم» است پس می‌توان برخی از وابسته‌های پیشین (مثلاً: این - آن - هر - دو و ... و وابسته‌های پسین (مثلاً: ها - ان و ...) را با مضاف‌الیه همراه کرد. اما این کار در مورد صفت‌ها ممکن نیست.

**مثال** زنگ مدرسه ← زنگ (این - آن - هر) مدرسه / زنگ مدرسه‌ها ← معنی می‌دهد.  
 زنگ گوش خراش ← زنگ (این - آن - هر) گوش خراش / زنگ گوش خراش‌ها ←  
 معنی نمی‌دهد.

ضمیرهای متصل (پیوسته) گاهی به کلمات می‌چسبند و نقش مضاف‌الیه دارند (برای تشخیص راحت سعی کنید ضمیر متصل را به ضمیر منفصل یا جدا تبدیل کنید) ☺

دوستم = دوست من (من = مضاف‌الیه)

کتابش = کتاب او (او = مضاف‌الیه)

### تمرین:

در ترکیب‌های زیر چند ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) به کار رفته است؟  
 «کلاس درس - مرد گوینده - جهان واقعی - دریای سیاه - کام انسان - درخت کاج - کوه دماوند - انگشتر طلا - کفش ورزشی - اتاق ناهارخوری - تاج خروس - شلوار ما - کتاب ادبیات - سنگ سخت»

### پایان:

نُه ترکیب اضافی - پنج ترکیب وصفی

### ج) نقش‌های تبعی:

نقش‌هایی هستند که تابع گروه اسمی قبل از خود هستند. (معطوف - بدل - تکرار)  
 - نقش‌های اصلی و فرعی عبارت‌اند از: نهادی - مفعولی - متممی - مسندی - مضاف‌الیه‌ی - وصفی (صفت) - منادایی - قیدی  
 از آن‌جا که دو کلمه در یک جمله نمی‌توانند با هم یک نقش داشته باشند به اولی نقش «اصلی» و به دومی نقش «تبعی» می‌دهند.

نقش‌های تبعی عبارت‌اند از:

۱- معطوف                      ۲- بدل                      ۳- تکرار

۱- **معطوف:** هر گروه اسمی که بعد از حرف عطف (= و او) قرار بگیرد، معطوف نامیده می‌شود. (نقش معطوف در جمله همان نقش گروه قبل از خود است) ☺

**مثال** دوستم و پدرش به مسافرت می‌روند. (دوست: نهاد - پدر: معطوف به نهاد - ش = مضاف‌الیه)

نکته: چنانچه «و» بین دو جمله ارتباط برقرار کند «پیوند هم پایه ساز» نه «حرف عطف».

**مثال** علی از صورت یک فرد بیرون است و به صورت یک مکتب موجود است.

پیوند هم پایه ساز

۲- بدل: اسم یا گروه اسمی است که با درنگ - ویرگول در نوشتار - درباره اسم قبل از خود توضیح می‌دهد تا معنای آن را روشن کند. بدل غالباً نام دیگر - شغل - مقام - شهرت - یا یکی دیگر از خصوصیات هسته را بیان می‌کند.

«بدل» بین دو کاما (ویرگول) می‌آید و چنانچه حذف شود، مفهوم جمله ناقص نمی‌شود.

مثال ضحاک، معرّب اژدی‌دهاک، در داستان‌های ایرانی مظهر خوی شیطانی است.

بدل

مثال آن سه غمخوار بشریت، روزولت، چرلین و استالین، کشور را از همه سو اشغال کرده بودند.

بدل

۳- تکرار: آن است که یک نقش دوبار در جمله تکرار شود (نقشی است که بدون هیچ تغییری تکرار می‌شود)

مثال از معلم پیرس، از معلم

متّم تکرار متّم

مثال پدرت را دیدم پدرت

مفعول تکرار مفعول

مثال مدیر خسته است خسته

مسنّد تکرار مسنّد

تمرین ۱: متن زیر را به دقت بخوانید و نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.

«پروردگارا! مگذار سر به دنبال هوس بگذارم و در ظلمات جهل و ضلال از چراغ هدایت به دور افتم. روا مدار به خواب غفلت فروافتم و کیفر غفلت خویش ببینم.»

پایخ:

سر: مفعول - دنبال: متّم - ضلال: معطوف به مضاف‌الیه - چراغ: متّم - هدایت: مضاف‌الیه - خواب: متّم - غفلت: مضاف‌الیه - کیفر: مفعول - غفلت: مضاف‌الیه - خویش: مضاف‌الیه مضاف‌الیه



تمرین ۲: نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.

«سعدی، شاعر نامدار قرن هفتم، در کتاب ارزشمند منظوم خود، بوستان، نکات اخلاقی و حکمی فراوانی را گوشزد می‌کند. تا بدان وسیله خوانندگان، درس زندگی گیرند و پند آموزند. آنچه که

آموخته و در سفرهای خویش دیده، همه را عاشقانه و ماهرانه مطرح می‌کند. شاعری بسیار صریح‌گوی است و هرگز اهل تظاهر نیست.»



سعدی: نهاد - شاعر نامدار قرن هفتم: بدل - بوستان: بدل - حکمی: معطوف به صفت - زندگی: مضاف‌الیه - خویش: مضاف‌الیه - همه: بدل - عاشقانه: مسند - ماهرانه: معطوف به مسند - بسیار: قید صفت - صریح‌گوی: صفت - هرگز: قید - اهل تظاهر: مسند



ترن ۳؛ نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.

- ۱- گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
  - ۲- گاه به دهان برزده کف چون صدف
  - ۳- گفت: در این معرکه یکتا منم
  - ۴- چون بدوم، سبزه در آغوش من
  - ۵- چون بگشایم ز سر مو شکن
  - ۶- قطره باران که درافتد به خاک
  - ۷- در بر من ره چو به پایان برد
  - ۸- ابر زمن حامل سرمایه شد
  - ۹- گل به همه رنگ و برازندگی
  - ۱۰- در بُن این پرده نیلوفری
  - ۱۱- زین نَمَط آن مست شده از غرور
  - ۱۲- دید یکی بحر خروشنده‌ای
  - ۱۳- نعره برآورده، فلک کرده کر
  - ۱۴- راست به مانند یکی زلزله
  - ۱۵- چشمه کوچک چو به آنجا رسید
  - ۱۶- خواست کز آن ورطه قدم درکشد
  - ۱۷- لیک چنان، خیره و خاموش ماند
- غلغله زن چهره‌نما، تیز پا  
گاهی چو تیری که رود بر هدف  
تاج سر گلبن و صحرا منم  
بوسه زند بر سر و بر دوش من  
ماه ببیند رخ خود را به من  
زو بدمد بس گهر تابناک  
از خجلی سر به گریبان برد  
باغ ز من صاحب پیرایه شد  
می‌کند از پرتو من زندگی  
کیست کند با چو منی همسری؟  
رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور  
سهمگنی، نادره جوشنده‌ای  
دیده سیه کرد، شده زهره‌در  
داده تیش بر تن ساحل، یله  
و آن همه هنگامه دریا بدید  
خویشتن از حادثه برتر کشد  
کز همه شیرین سخنی، گوش ماند
- «نیمایوشیخ» (علی اسفندیاری)



- ۱- یکی چشمه: نهاد، «جدا: مسند - غلغله زن، چهره‌نما - تیزپا: قید
- ۲- کف: مفعول - صدف: متمم - تیری: متمم



- ۳- این: صفت اشاره - معرکه: متمم - یکتا: مسند - تاج: مسند - سر: مضاف‌الیه - گلبن: مضاف‌الیه  
مضاف‌الیه - صحرا: معطوف به مضاف‌الیه
- ۴- سبزه: نهاد - بوسه: مفعول - دوش: متمم - من: مضاف‌الیه
- ۵- شکن: مفعول - رخ: مفعول - خود: مضاف‌الیه
- ۶- قطره باران: نهاد
- ۷- ره: مفعول - خجلی: متمم - سر: مفعول
- ۸- ابر: نهاد - حامل سرمایه: مسند - باغ: نهاد - صاحب پیرایه: مسند
- ۹- گل: نهاد - زندگی: مفعول
- ۱۰- ین: متمم - پرده: مضاف‌الیه - نیلوفری: صفت
- ۱۱- آن مست شده از غرور: نهاد (گروه نهادی) - دور: مسند
- ۱۲- یکی بحر: مفعول - خروشنده: صفت
- ۱۳- نعره: مفعول - دیده: مفعول - زهره‌در: مسند
- ۱۴- تن: مفعول - ش: مضاف‌الیه
- ۱۵- چشمه کوچک: نهاد - هنگامه: مفعول - دریا: مضاف‌الیه
- ۱۶- آن ورطه: متمم - قدم: مفعول - خویشتن: مفعول
- ۱۷- چنان: قید - شیرین سخنی: متمم

**خرید کتاب‌های کنکور**

**با تخفیف ویژه**

**و اربال رایگان**

**Medabook.com**



## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

### ۱. «نهاد» در کدام بیت واژه‌ای متفاوت است؟

- ۱ به اسبان تازی و مردان مرد
  - ۲ خواجه چو سرو تا نکنی پیشه راستی
  - ۳ کیست آن کو با تو پا بیرون نهاد از دایره
  - ۴ نخواهم به پیش تو گردن نهاد
- بهر آرز از نهاد بدانندیش گردد  
نتوان نهاد در ره آزادگی قدم  
کو به کار خویش سرگردان‌تر از پرگار نیست  
اگر طوقم از عقد پروین کنی

### ۲. نقش دستوری کدام واژه مشخص شده نادرست ذکر شده است؟

- ۱ بنالم ایرا (زیرا) بر من فلک همی کند آنک / به زخم زخمه بر ابریشم رباب کنند. (فلک: نهاد)
- ۲ ز بس که بر من باران غم ززند مرا / سرشک دیده صدف وار دُر ناپ کنند. (سرشک: مفعول)
- ۳ ز درد وصلت یاران من آن کنم به جزع / که جان پیران بر فرقت شباب کنند (من: مضاف‌الیه)
- ۴ چو هیچ دعوت من در جهان نمی‌شنوند / امید تا کی دارم که مستجاب کنند. (دعوت: مفعول)

### ۳. نقش دستوری کدام واژه مشخص شده در بیت‌های زیر متفاوت است؟

- ۱ مگس‌وار از سر خوان وصال خود مران ما را
  - ۲ کنار از ما چه می‌جویی میان‌بگشا دمی بنشین
  - ۳ تو زوری می‌کنی بر ما و ما خواهیم جور را
  - ۴ قیامت باشد آن روزی که بر سوی تو چون نرگس
- نه مهمان توام آخر بخوان روزی بخوان ما را  
به اقبال مگر کاری برآید زین میان ما را  
کشیدن چون کمان تا هست پی بر استخوان ما را  
ز خواب خوش برانگیزند مست و سرگردان ما را

### ۴. نقش دستوری «ش» در انتهای کدام بیت، با نقش دستوری «ش» در بیت زیر یکسان است؟

- «چو خود را به چشم حقارت دید»
- ۱ می لعل ارچه لطیف است در آن جام عقیق
  - ۲ گر در آینه در آن صورت زیبا نگردد
  - ۳ بس که در چنگ فراق تو چو نی می‌نالم
  - ۴ خواجه از چشمه نوش تو چو راند سخنی
- صدف در کنارش به جان پرورید  
آن ندارد ز لطافت که در آن جامه تنیش  
بو که معلوم شود صورت احوال منیش  
هیچ کس نیست که یک بار بگوید مزینش  
می‌چکد هر نفسی آب حیات از سخنش

### ۵. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده بیت زیر به ترتیب کدام است؟

- «دید پر روغن دکان و جامه چرب»
- ۱ نهاد، مفعول      ۲ نهاد، متمم      ۳ مفعول، نهاد      ۴ مفعول، مفعول
- بر سرش زد گشت طوطی کل ز ضرب

### ۶. نقش دستوری کدام کلمه مشخص شده در بیت، «مفعول» است؟

- ۱ آن جاست برگ عیش که هر سو فشانده‌اند
  - ۲ در ملک عشق هر که شفا یابد از مرض
  - ۳ گه گه فتد ز طاق دل دوستان ولی
  - ۴ صد ره گشود دیده و بشناخت چشم عقل
- پروانه‌ای سوخته پرها و بال‌ها  
رسوای خلق گردد و گویند سال‌ها  
خورشید را زیان نرسد از زوال‌ها  
با آن که آشنا شده بود از مثال‌ها

## ۷. نقش قسمت‌های مشخص شده در کدام گزینه درست توصیف شده است؟

- ۱ گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغلّه زن، چهره‌نمّا، تیزپا (مسند)  
 ۲ گفت درین معرکه، یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا منم (مفعول)  
 ۳ تویی رزاق هر پیدا و پنهان تویی خلّاق هر دانا و نادان (مسند)  
 ۴ زهی گویا ز تو، کام و زبانم تویی هم آشکارا، هم نهانم (قید)

## ۸. نقش‌های دستوری واژه‌های «باران» و «خاک» در بیت زیر چیست؟

«قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک»

- ۱ مضاف‌الیه، متمم ۲ صفت، مضاف‌الیه  
 ۳ صفت، متمم ۴ مضاف‌الیه، مضاف‌الیه

## ۹. نقش دستوری کدام واژه مشخص شده با نقش دستوری واژه «عقل» در بیت زیر یکسان است؟

«دوش مرغی به صبح می‌نالید / عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش»

- ۱ به مجلس کرم از ساقی‌ای طلب کن جام / که تا ابد نکنی عرض احتیاج به جم (جام)  
 ۲ حسن تو دارد دو حق بر من محزون که هست / عشق مرا راهبر عقل مرا راهزن (محزون)  
 ۳ خورشید اگر صعود کند صدهزار قرن / مشکل اگر به نعل سمنندش کند قرآن (خورشید)  
 ۴ می‌برد از اژدها افعی رمحش سبق / می‌دهد از ذوالفقار شعله تیغش نشان (رمح: نیزه) (رمح)

## ۱۰. در کدام گزینه، فعل «نیست» مسند ندارد؟

- ۱ چون به تلبیس به دام آوری اکنون چاره نیست بگذر از تزویر و بگذار ای پسر تلبیس را  
 ۲ غریب نیست اگر شد ز خویش بیگانه هر آن غریب که گشته است آشنای شما  
 ۳ عیب مجنون گو مکن لیلی که شرط عقل نیست گر نداند حال دردش گو برو بنگر در آب  
 ۴ سرد باشد هرکه او بی مهر رویی دم زند چون دم مهر از دل گرم است از آن‌رو سرد نیست

## ۱۱. نقش دستوری کدام واژه مشخص شده در ابیات گزینه‌ها، با نقش دستوری «گهر» در بیت زیر

یکسان است؟

«قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک»

- ۱ بر گل خودروی رویت کآبروی حسن از اوست / سبزه سیراب را بنگر چو نیلوفر در آب (سبزه)  
 ۲ مردم دریا نیندیشد ز طوفان زان سبب / مردم چشمم فرو بُردست دایم سر در آب (دریا)  
 ۳ عیب مجنون گو مکن لیلی که شرط عقل نیست / گر نداند حال دردش گو برو بنگر در آب (آب)

- ۴ چون به نوک خامه خواجه شرح مشتاقی دهد / چشم خونبارش دراندازد روان دفتر در آب (چشم)

## ۱۲. در بیت زیر، نقش دستوری واژه‌های «مرد» و «چشم» به ترتیب کدام است؟

«قحط تا حلّی که مرد از فرط بی‌قوتی چو شمع چشم خود را سوختی در آتش و بردی به کار»

- ۱ نهاد، نهاد ۲ نهاد، مفعول ۳ مفعول، نهاد ۴ مفعول، مفعول

۱۳. در کدام گزینه «مسند» وجود دارد؟

۱. چو در وقت بهار آبی پدیدار
۲. فروغ رؤیت اندازی سوی خاک
۳. حقیقت پرده‌برداری ز رخسار
۴. عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

۱۴. در همهٔ ابیات گروه اسمی مشخص شده در جایگاه مفعول است، به جز:

۱. چون بگشایم ز سر مو، شکن
۲. یکی قطره باران ز ابری چکید
۳. الهی، فضل خود را یار ما کن
۴. نعره برآورده، فلک کرده کر
- ماه ببیند رخ خود را به من
- خجل شد چو پهنای دریا بدید
- ز رحمت، یک نظر در کار ما کن
- دیده سیه کرده، شده زهره در

۱۵. در کدام بیت، هم «نشانهٔ ربط یا پیوند» و هم «مفعول» وجود دارد؟

۱. گفت: در این معرکه که یکتا منم
۲. زمین نَمَط آن مست شده از غرور
۳. چشمهٔ کوچک چو به آن‌جا رسید
۴. لیک چنان خیره و خاموش ماند
- تاج سر گلبن و صحرا منم
- رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور
- وان همه هنگامهٔ دریا بدید
- کز همی شیرین‌سخنی، گوش ماند

۱۶. نقش دستوری کدام واژهٔ مشخص شده، با نقش دستوری واژهٔ «جانور» در عبارت زیر یکسان

است؟ «صاد، هرگز جانوری از پهلو نکشید.»

۱. بیا تا در می صافیت راز دهر بنمایم / به شرط آن‌که نمایی به کج طبعان دل کورش
۲. از سخن چنان ملالت‌ها پدید آمد / گر میان همنشینان ناسزایی رفت رفت
۳. پند حکیم محض صواب است و عین خبر / فرخنده آن کسی که به سمع رضا شنید (محض)
۴. واعظ شحنه‌شناس این عظمت کو مفروش / زان که منزلگه سلطان دل مسکین من است (من)

۱۷. معنای فعل «شدن» در کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

۱. روز سیم به مجلس وزیر شدیم.
۲. بعد از آنکه حال دنیاوی ما نیک شده بود.
۳. روزی به در آن گرمابه شدیم.
۴. چندان که ما در حمام شدیم، همه بر پای خاسته بودند.
۱۸. با توجه به مصرع «چنین است رسم سرای درشت» کدام گزینه درست است؟

۱. «چنین» مسند است.
۲. «سرای» نهاد است.
۳. «سرای درشت» مفعول
۴. «چنین است» فعل

۱۹. نقش دستوری کدام واژه متفاوت است؟

۱. شدم ز دست تو شیدای کوه و دشت و هنوز / نمی‌کنی به ترخم نطق سلسله سست (شیدا)
۲. تا شدم حلقه به گوش در می‌خانه عشق / هر دم آید غمی از تو به مبارک بادم (حلقه به گوش)
۳. حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد / شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی (همجران)
۴. به وقت گل شدم از توبه شراب خجل / که کس مباد ز کردار ناصواب خجل (خجل)

۲۰. نقش دستوری دو واژه کدام گزینه، با نقش دستوری واژه‌های «زلف» و «م» مشخص شده در بیت زیر برابر است؟

«گفتم که بوی زلف، گمراه عالم کرد      گفتا اگر بدانی، هم اوت رهبر آید»

- ۱ به جان قصدت کند دشمن چو داری دوستی در دل / صدف مجروح از آن گردد که لؤلؤ در میان دارد (دشمن، مجروح)
- ۲ برین سر راست ناید تاج وصلش / ز بهر تاج باید ترک سر کرد (تاج، «ش» پس از وصل)
- ۳ روز وصل تو که عید است و منش قربانم / هر سحر چون شب قدرش به دعا می‌خواهند (وصل، «ش» پس از قدر)
- ۴ میدان وصل او ز پی عاشقان اوست / وین گوی دولتیست که ایشان همی برند (او، ایشان)

۲۱. در کدام گزینه هر دو جمله سه جزئی گذار به مسند است؟

- ۱ هیچ ستاره نیست که وام‌دار نگاه تو نیست.
- ۲ یوسفی که در مصر بود، صدیق و وفادار بود.
- ۳ در عالم نعمت بسیار است و لکن آب نیکوترین نعمت‌هاست.
- ۴ زینت قرآن، بی‌جمال بهشت تمام است و زینت بهشت، بی‌جمال و کمال قرآن ناتمام است.

۲۲. در کدام بیت کلمه مشخص شده نقش دستوری متفاوتی دارد؟

- ۱ گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز      گفتا ز خوبرویان این کار کم‌تر آید
- ۲ گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت      گفتا تو بندگی کن کاو بنده‌پرور آید
- ۳ گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم      گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید
- ۴ گفتم زمان عشرت، دیدی که چون سرآمد      گفتا خموش حافظ، کاین غصه هم سرآید

۲۳. پس از بازگردانی بیت زیر «م» پس از «تاج» و «م» پس از «بند»، به ترتیب بعد از کدام کلمه‌ها قرار می‌گیرند؟

«اگر تاجم نهد بر سر غلام حلقه در گوشم      وگر بندم نهد بر پا اسیری بند فرمانم»

- ۱ «حلقه»، «بند» دوم در مصراع دوم      ۲ «حلقه»، «پا»
- ۳ «سر»، «بند» دوم در مصراع دوم      ۴ «سر»، «پا»

۲۴. نقش دستوری کدام واژه در بیت، با نقش دستوری «ش» در مصراع نخست بیت زیر یکسان است؟

«گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست      این رستخیز عام که نامش محرم است»

- ۱ زان می عشق کز او پخته شود هر خامی / گرچه ماه رمضان است بیاور جامی (جام)
- ۲ مرغ زیرک به در خانقه اکنون نپرد / که نهاده‌ست به هر مجلس وعظی دامی (مرغ)
- ۳ گله از زاهد بدخو نکنم رسم این است / که چو صبحی بدمد در پیاش افتد شامی (اش) (پس از «پی»))
- ۴ یار من چون بخرامد به تماشای چمن / برسانش ز من ای پیک صبا پیغامی (ش) (پس از «برسان»))

۲۵. نقش دستوری کدام دو بخش مشخص شده، یکسان است؟

- الف) اگر در شب ببیندش شود از روز روشن تر / و از چاهی ببیندش شود آن چاه ایوانی  
 «ش» پس از «ببیند»  
 ب) تو ز ما فارغی و حلقه به گوشان درت / گوش امید به در منتظر فرمانند «ت» پس از «در»

- ج) پروانه او گر رسد در طلب جان / چون شمع همان دم به دمی جان سپارم  
 «م» پس از «رسد»  
 د) گاه در مصطبه دردی کش رندم خوانند / گاه در خانقهم<sup>۱</sup> صوفی صافی دانند «م» پس از «خانقهم»

- ۱ الف، ب  
 ۲ الف، د  
 ۳ ج، د  
 ۴ ب، ج

۲۶. در کدام گزینه مفعول وجود دارد؟

- ۱ در طریقت هرچه پیش سالک آید خیر اوست.  
 ۲ در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست.  
 ۳ غم و شادی جهان را نبود هیچ ثبات  
 ۴ گفتم که بوی زلفت گمراه عالم کرد.

۲۷. نقش دستوری دو واژه قافیه کدام دو بیت، به ترتیب با هم یکسان است؟

- الف) زمن هر زمانی شود دورتر درونش ز عشق است مهجورتر  
 ب) یوسف گم‌گشته بازآید به کنعان غم‌مخور کلبه احزان شود روزی گلستان غم‌مخور  
 ج) شنیده‌ام که به شاهان عشق بخشی تاج به تاج عشق تو من مستحکم و محتاج  
 د) شب است و چشم من و شمع اشکبارانند مگر به ماتم پروانه سوگوارانند

- ۱ الف و ج  
 ۲ الف و د  
 ۳ ب و د  
 ۴ ب و ج

۲۸. نمودار جمله «وسعت تو را چگونه در سخن تنگ‌مایه گنجانم» کدام است؟



۱. محل سکونت درویشان

۲۹. همه واژه‌هایی که در گزینه ..... نقش دستوری «نهاد» دارند تک کلمه‌ای هستند، یعنی وابسته نگرفته‌اند.

- |                                       |                                       |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱ صاحب دیوان ما گویی نمی‌داند حساب    | ۱ کاندر این طغرا نشان حسبه‌الله نیست  |
| ۲ من ارچه در نظر یار خاکسار شدم       | ۲ رقیب نیز چنین محترم نخواهد ماند     |
| ۳ شد حلقه قامت من تا بعد از این رقیبت | ۳ زین در دگر نراند ما را به هیچ بابی  |
| ۴ همه‌کس طالب یارند چه‌هشیار و چه مست | ۴ همه‌جا خانه عشق است چه مسجد چه کنشت |

۳۰. در کدام بیت نقش دستوری گروهی که صفت اشاره دارد، مفعول است؟

- |                                       |                                      |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ بس که بسوزد از غمش این دل سوزناک من | ۱ دود برآید از جگر ز آتش دل کباب را  |
| ۲ بر گل روی تو آن خال معنبر که نشاند؟ | ۲ بر مه عارضت آن خط مسلسل که نوشت؟   |
| ۳ کیست این فتنه نخواستۀ کز مهر رخس    | ۳ این دل شیفته حال آمد و بنشست اینجا |
| ۴ شکر بر خویشتن خندد گر آن ماه        | ۴ به شکر خنده بگشاید دهان را         |

۳۱. اجزای جمله در کدام بیت مشابه عبارت زیر است؟

«وسعت تو را، چگونه در سخن تنگ‌مایه، گنجایم؟»

- |                                |                             |
|--------------------------------|-----------------------------|
| ۱ بار مذلّت بتوانم کشید        | ۱ عهد محبت نتوانم شکست      |
| ۲ شنیدم گوسفندی را بزرگی       | ۲ رهانید از دهان و دست گرگی |
| ۳ انگشت‌نمای خلق بودن          | ۳ زشت است ولیک با تو زیباست |
| ۴ چو این داستان سر به سر بشنوی | ۴ بیننی سر مایه بدخوی       |

۳۲. به ترتیب نقش‌های دستوری «چشم» و «درست» در بیت زیر کدام است؟

«چشم از دست رفته گشت درست شد بعینه، چنان که بود نخست»

- |               |              |
|---------------|--------------|
| ۱ نهاد، قید   | ۲ نهاد، مسند |
| ۳ مفعول، مسند | ۴ مفعول، قید |

۳۳. در عبارت زیر، نقش دستوری گروهی که وابسته پسین از نوع مضاف‌الیه دارد، کدام است؟

«چوپان توانگری که گوسفندان بسیار داشت، با خانواده خود از بیابان می‌گذشت.»

- |        |         |
|--------|---------|
| ۱ نهاد | ۲ مفعول |
| ۳ متمم | ۴ مسند  |

۳۴. نقش‌های دستوری کدام دو بخش مشخص شده در بیت خود، با نقش‌های دستوری ضمیر «م»

در بیت زیر یکسان است؟ رعایت ترتیب اهمیتی ندارد.

«تم گر بسوزی، به تیرم بدوزی جداسازی ای خصم، سر از تن من»

- |                                                                                      |
|--------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱ چندان که می‌روم ز پی یار جز غبار / چیزی نمی‌رسد به من از رهگذار یار «چیزی، رهگذار» |
| ۲ نگرفته است دامن من هیچ آب و خاک / آلا که آب دیده و خاک دیار یار «من، یار»          |
| ۳ چون غنچه‌ام اگر چه بسی خار در دل است / من دل‌خوشم به بوی نسیم بهار یار «م، بهار»   |
| ۴ بلبل گذاشت شاخ سمن، میل خار کرد / یعنی که خوشتر از گل اغیار خار یار «شاخ، اغیار»   |

۳۵. نقش دستوری کدام دو واژه بیت «چه کند کشته عشقت که نگوید غم دل؟ / تو مپندار که

خونریزی و پنهان ماند» به ترتیب برابر است با نقش دستوری واژه‌های قافیه در دو بیت زیر؟

من آزاده از خاک آزادگانم      گل صبر می‌پرورد دامن من  
جز از جام توحید هرگز ننوشم      زنی گر به تیغ ستم گردن من

۱ کشته، غم      ۲ خون، پنهان

۳ پنهان، خون      ۴ غم، کشته

۳۶. در کدام بیت، جمله غیرساده وجود ندارد؟

۱ کنار از ما چه می‌جویی میان بگشا دمی بنشین

۲ از آنم قصد جان کردی که من برگردم از کویت

۳ چو اجزای وجود ما مرکب شد ز سودایت

۴ قیامت باشد آن‌روزی که بر سوی تو چون نرگس

۱ زان خط و لب که هر دو بنفشه به شکرند

۲ من چون بنفشه بر سر زانو نهاده سر

۳ همچون بنفشه کز تف آتش بریخت خوی

۴ بازار دل بنفشه صفت تحفه‌ای کنم

۳۸. در کدام بیت جمله غیرساده وجود ندارد؟

۱ در حال خویشتن چو همی ژرف بنگرم

۲ گر بر قیاس فضل بگشتی مدار چرخ

۳ منگر بدین ضعیف تنم زانکه در سخن

۴ وز دیدن و شنیدن دانش یله نکرد

۳۹. نقش ضمایر پیوسته «م» در بیت زیر، در کدام گزینه به درستی آمده است؟

«تنم گر بسوزی، به تیرم بدوزی      جداسازی ای خصم، سر از تن من»

۱ مفعول، مضاف‌الیه      ۲ مفعول، مفعول

۳ مضاف‌الیه، مفعول      ۴ مضاف‌الیه، مضاف‌الیه

۴۰. در کدام بیت جمله غیرساده وجود ندارد؟

۱ خدنگ چشم تو در جان خاص و عام نشست

۲ آن که یک لحظه فراموش نگشت از یادم

۳ سرو هر چند به بالای تو می‌ماند راست

۴ مرغ دل تا هوا گرفت و رمید

۱ کمند زلف تو در حلق شیخ و شاب افتاد

۲ ظاهر آن است که هرگز نکند یاد مرا

۳ بنده تا قدر تو را دید شد از سرو آزاد

۴ باز با آشیان نمی‌افتد

۴۱. با توجه به بیت «مرا مادرم نام مرگ تو کرد / زمانه مرا پتک ترگ تو کرد» کدام گزینه صحیح است؟

- ۱ دو جمله چهارجزئی مفعول و متمم
- ۲ دو جمله سه جزئی با مسند
- ۳ دو جمله چهارجزئی با مفعول و مسند
- ۴ دو جمله سه جزئی با مفعول

۴۲. نقش «ت» در هماوردت در مصراع «هماوردت آمد مشو باز جای» چیست؟

- ۱ مضاف‌الیه
- ۲ مفعول
- ۳ نهاد
- ۴ مسند

۴۳. در کدام گزینه «دو حرف اضافه برای یک متمم» آمده است؟

- ۱ بزد بر بر و سینه اشکبوس
- ۲ که با دختری او به دشت نبرد
- ۳ بزد بر کمر بند گرد آفرید
- ۴ یکی تیر زد بر بر اسپ اوی

۴۴. نقش ضمیر «تو» در تمام گزینه‌ها درست است به جز گزینه ..... .

- ۱ بدو گفت خندان که نام تو چیست
- ۲ تهمتن چنین داد پاسخ که نام
- ۳ به شهر تو، شیر و نهنگ و پلنگ
- ۴ هم‌اکنون تو را ای نبرده سوار

۴۵. نقش واژه مشخص شده در کدام گزینه درست است؟

- ۱ تو مرا کشتی و خدای نکشت
- ۲ دولتم چون خدا پناهی داد
- ۳ گفت زنه‌ار اگر چه بد کردم
- ۴ گفت اگر خیر هست خیراندیش

۴۶. در بیت زیر، کلمه «گفت» چه نقشی دارد؟

«طوطی اندر گفت آمد در زمان بانگ بر درویش زد که هی فلان»

- ۱ متمم
- ۲ مفعول
- ۳ نهاد
- ۴ مسند

۴۷. در مصرع اول بیت زیر چند جمله چند جزئی است؟

- «هدیه‌ها می‌داد هر درویش را تا بیابد نطق مرغ خویش را»
- ۱ چهارجزئی با مفعول و متمم
  - ۲ چهارجزئی با مفعول و مسند
  - ۳ سه جزئی با مفعول
  - ۴ سه جزئی با متمم

۴۸. در کدام گزینه نقش دستوری واژه مشخص شده نادرست است؟

۱. ناتانائیل، با تو از انتظار سخن خواهم گفت. (منادا)
۲. تیمور، پس از آن شهر توس را گشود. (نهاد)
۳. ناگهان جوانی را دید بر خاک افتاده است. (متمم)
۴. در نگاهش نشانی از خودم می‌یافتم. (نهاد)

۴۹. کدام بیت منادا دارد؟

۱. نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت
۲. به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من
۳. دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین
۴. چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم

۵۰. در کدام گزینه مفعول وجود ندارد؟

۱. مانده‌های زمینی نوشته‌آندره ژید، نویسنده فرانسوی، سیر و سلوکی است در گستره عرفان.
۲. ناتانائیل دلم می‌خواهد که این کتاب، شوق پرواز در تو برانگیزد.
۳. ناتانائیل، با تو از انتظار سخن خواهم گفت.
۴. ناتانائیل، من به تو شور و شوقی خواهم آموخت.

۵۱. در کدام گزینه جمله سه‌جزئی وجود ندارد؟

۱. اما برایمان شکوه و درخشش به ارمغان می‌آورد.
۲. نیکوترین اندرز من، این است: «تا آنجا که ممکن است بار بشر را به دوش گرفتن.»
۳. من دشت را به هنگام تابستان دیده‌ام که انتظار می‌کشید.
۴. ناتانائیل با تمام وجود و عشقی واقعی به دنبال شناخت واقعی و رسیدن به تجربه شخصی به کشور ایران آمد.

۵۲. نقش دستوری «ش» در بیت «صاحباً عمر عزیز است غنیمت دارش / گوی خیری که توانی ببر

از میدانش» به ترتیب، در کدام گزینه یافت می‌شود؟

۱. مضاف‌الیه، مضاف‌الیه
۲. مضاف‌الیه، مفعول
۳. مفعول، مضاف‌الیه
۴. مفعول، مفعول

۵۳. در بیت «گفتم ببینمش مگرم درد اشتیاق / ساکن شود بدیدم و مشتاق‌تر شدم»، «م» در «مگرم» و

«ش» در «ببینمش» به ترتیب، چه نقش دستوری دارند؟

۱. مفعولی، مفعولی
۲. مفعولی، مضاف‌الیهی
۳. مضاف‌الیهی، مفعولی
۴. فاعلی، مفعولی

۵۴. در مصراع «بکوبمت زین گونه امروز یال»، ضمیر «ت» کدام نقش دستوری را پذیرفته است؟

۱. مفعول
۲. متمم
۳. بدل
۴. مضاف‌الیه

۵۵. در عبارت «مرد خود مرده بود که جلّادش رسن به گلو افکنده بود و خفه کرده بود» ضمیر «ش» وابسته به کدام یک از اجزای جمله است؟

- ۱ بدل ۲ مضاف الیه ۳ مفعول ۴ نهاد

۵۶. نقش ضمیر متصل در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱ شاید که به آبی فلکت دست نگیرد  
۲ آب حیوانش ز منقار بلاغت می چکد  
۳ دل دادمش به مژده و خجالت همی برم  
۴ فریاد که از شش جهتم راه ببستند
- ۱ گر تشنه لب از چشمه حیوان به درآیی  
۲ زاغ کلک من، به نام ایزد، چه عالی مشرب است  
۳ زین نقد قلب خویش، که کردم نثار دوست  
۴ آن خال و خط و زلف و رخ و عارض و قامت

۵۷. نقش ضمیر «ت» در کدام گزینه با بقیه تفاوت دارد؟

- ۱ گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه  
۲ درون دلت شهر بندست راز  
۳ مکن کاری که بر پا سنگت آید (آید)  
۴ جهان با این فراخی تنگت آید (آید)

۵۸. نقش دستوری ضمیر «م» در واژه های قافیۀ همه ایات به جز بیت ..... یکسان است.

- ۱ همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود  
۲ چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی  
۳ بعد از این روی من و آینه وصف جمال  
۴ هاتف آن روز به من مژده این دولت داد
- ۱ که ز بند غم ایام نجاتم دادند  
۲ آن شب قدر که این تازه براتم دادند  
۳ که در آن جا خبر از جلوۀ ذاتم دادند  
۴ که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند

۵۹. معنای فعل «شد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱ چنین گفت با کودک آموزگار  
۲ چو شب روز شد بامداد پگاه  
۳ چو بانو چنان دید، شد سوی کوه  
۴ به بارگاه او ملک ز خلد شد
- ۱ که کاری نکردیم و شد روزگار  
۲ بغرمود تا باز گردد سپاه  
۳ رسیدند تا پای کوه آن گروه  
۴ ندا شنید کاندرا آی مرحبا

۶۰. نقش دستوری واژه مشخص شده در همه ایات درست است، به جز:

- ۱ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر  
۲ شغال نگویند بخت را شیر خورد  
۳ کزین پس به کنجی نشینم چو مور  
۴ کسی نیک بیند به هر دو سرای
- ۱ چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟ (مسند)  
۲ بماند آنچه روباه از آن سیر خورد (مسند)  
۳ که روزی نخوردند پیلان به زور (متمم)  
۴ که نیکی رساند به خلق خدای (متمم)

۶۱. نقش واژه مشخص شده در کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱ یکی روبهی دید بی دست و پای  
۲ برو شیر درنده باش ای دغل  
۳ خرد را گر نبخشد روشنایی  
۴ اگر لطفش قرین حال گردد
- ۱ فروماند در لطف و صنع خدای (نهاد)  
۲ مینداز خود را چو روباره شل (متمم)  
۳ بماند تا ابد در تیره رایی (متمم)  
۴ همه ادبارها اقبال گردد (مسند)



در بیت «۱» واژه «نهاد» اسم، به معنی «ذات و سرشت» است و در سایر ابیات «فعل» است.

«من» در جمله «من از درد وصلت یاران چنان کنم» «نهاد» است نه مضاف‌الیه.  
 «را» حرف اضافه ← کاری برای ما برآید. نقش کلمات سایر گزینه‌ها مفعول است.  
 «ش» در هر دو بیت نقش مفعولی دارد. با قرار دادن صورت جدای ضمیر به جای صورت پیوسته و مرتب کردن جمله، نقش ضمائر پیوسته مشخص می‌شود. بر این اساس ← گزینه «۱» تنش ← تنِ او (مضاف‌الیه) گزینه «۲» منش ← برای او معلوم شود.

گزینه «۳» مزنش ← او را مزن / کنارش به جان پرورید ← او را پرورید.  
 گزینه «۴» سخنش ← سخن او

«دکان» مفعول «دکان را پر روغن دید» (در گزینه‌های ۱ و ۲) / «طوطی» نهاد «طوطی کل گشت» (در گزینه ۴)

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: پروانه ← نهاد

گزینه «۲»: رسوا ← مسند

گزینه «۳»: دوستان ← مضاف‌الیه

گزینه‌های دیگر: ۱- قید ۳- نهاد ۴- مسند

باران پس از نقش‌نما اضافه آمده و چون اسم است، مضاف‌الیه است. «خاک» پس از حرف اضافه «به» آمده و متمم است.

«جام» و «عقل» هر دو مفعول‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: محزون: صفت

گزینه «۳»: خورشید: نهاد

گزینه «۴»: رمح: مضاف‌الیه (افعی رمح: اضافه تشبیهی)

اگر فعل‌های اسنادی معنی مستقلی داشته باشند، دیگر فعل اسنادی شمرده نمی‌شوند؛ پس فعل «نیست» به معنای «وجود ندارد» اسنادی نیست و مسند ندارد. «اکنون چاره نیست»: «چاره: نهاد»، «اکنون: قید»، «نیست: فعل»؛ معادل جمله: «اکنون چاره‌ای وجود ندارد». در گزینه‌های دیگر «غریب» و «شرط عقل» و «سرد» مسند است.

۱. گزینه ۱

۲. گزینه ۳

۳. گزینه ۲

۴. گزینه ۳

۵. گزینه ۳

۶. گزینه ۴

۷. گزینه ۲

۸. گزینه ۱

۹. گزینه ۱

۱۰. گزینه ۱

در جمله «بس گهر تابناک از او بدمد»، «گهر» نهاد است. در بیت گزینه «۴» نیز در جمله «چشم خونبارش دفتر را در آب می‌اندازد»، چشم، نهاد است. بررسی سایر گزینه‌ها:

در گزینه «۱»: در جمله «سبزه سیراب را بنگر»، «سبزه» هسته گروه مفعولی است. در گزینه «۲»: در عبارت «مردم دریا»، «دریا» مضاف‌الیه است. در گزینه «۳»: نیز در عبارت «در آب بنگر»، «آب» که پس از حرف اضافه «در» آمده است، متمم است.

فعل‌های «سوختن» به معنی «سوزاندن» و «به کار بردن» نیازمند مفعول و نهاد هستند که به ترتیب «مرد» و «چشم» این نقش را دارند. مرد چشم را می‌سوزاند و به کار می‌برد.

فعل «آمدن» در این مصراع به معنای «گشتن و گردیدن» است که فعل اسنادی به حساب می‌آید. بنابراین «پدیدار» مسند است.

در این بیت کلمه «خود» مضاف‌الیه است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: بگشایم / گزینه «۲»: بدید / گزینه «۴»: کرده / همگی گذرا به مفعول هستند. (قابل ذکر است که فعل‌های «کن» در گزینه ۳ و «کرد» در گزینه ۴ گذار به مسند نیز هستند.)

در این گزینه، حرف ربط «و» بین دو جمله است و «هنگامه دریا» مفعول می‌باشد. در گزینه «۱» مفعول هست، ولی حرف ربط وجود ندارد. واو بین «گلبن و صحرا» حرف عطف است.

در گزینه‌های ۲ و ۴، حرف ربط هست، ولی مفعول وجود ندارد.

با توجه به فعل جمله «جانور» مفعول است که با ضمیر «ش» در گزینه «۱» برابر است. «آن (ش) را به کج طبعان نمایی»، «ملالت‌ها»، «محض» و «من» در ابیات گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ به ترتیب نهاد، مسند و مضاف‌الیه است.

در گزینه «۲» فعل «شدن» فعل اسنادی است و معنای مستقل ندارد، اما در سه گزینه دیگر «شدن» به معنای «رفتن» است.

در سایر گزینه‌ها فعل جمله اسنادی و نقش مشخص شده مسند است ولی در گزینه «۳» «شد» به معنی «رفت» و نقش مشخص شده «نهاد» است.

«زلف» در صورت سؤال مضاف‌الیه است و «م» مفعول است. در گزینه «۳» نیز «وصل»، مضاف‌الیه و «ش» مفعول است. در گزینه «۱»: دشمن: نهاد /

۱۱. گزینه ۴

۱۲. گزینه ۲

۱۳. گزینه ۱

۱۴. گزینه ۳

۱۵. گزینه ۳

۱۶. گزینه ۱

۱۷. گزینه ۲

۱۸. گزینه ۱

۱۹. گزینه ۳

۲۰. گزینه ۳

مجروح: مسند. در گزینه «۲»: تاج: نهاد و «ش» پس از وصل: مضاف‌الیه / در گزینه «۴»: او: مضاف‌الیه / ایشان: نهاد

گزینه‌های دیگر برخی از فعل‌های اسنادی در معنای فعل غیراسنادی به کار رفته‌اند اما در گزینه «۴» هر دو فعل اسنادی و گذرا به مسند هستند.

«رسم» در نقش مفعول است: رسم وفا را بیاموز. کلمه «وفا» مضاف‌الیه است.

در ابیات دیگر کلمات مشخص شده همگی نقش نهاد دارند.

گزینه «۳»: برگردان شعر این گونه می‌شود: «او شبرو است».

گزینه «۴»: «غصه» در نقش نهاد جمله آخر بیت است.

بازگردانی بیت صورت سؤال: «اگر تاج بر سر من نهاد، غلام حلقه در گوش هستم و اگر بند بر پای من نهاد، اسیری در بند فرمان هستم» اگر شکل جدای ضمیر پیوسته را جایگزین کنیم و جمله را مرتب کنیم، جای دقیق ضمیر مشخص می‌شود.

در جمله «گر خوانمش قیامت دنیا»، «ش» مفعول است: «اگر آن را قیامت دنیا بخوانیم» در بیت گزینه «۱» نیز در جمله «جامی را بیاور»، «جام» مفعول است.

در گزینه «۲»: در جمله «مرغ زیرک اکنون در پی خانقه نمی‌پرد»، «مرغ» نهاد است. در گزینه «۴» نیز عبارت «شامی در پی آن می‌افتد»، «آن» که برگردان «ش» است، متمم است.

بازگردانی بخش‌هایی از ابیات:

الف) اگر در شب ببیندش: او را ببیند: مفعول

د) در خانقهم صوفی صافی دانند: من را صوفی صافی دانند: مفعول

ب) حلقه به گوشان درت: حلقه به گوشان در تو: مضاف‌الیه

ج) اگر رسدم: اگر به من برسد: متمم

فقط فعل «گفتم» به مفعول نیاز دارد.

قافیه‌های موردنظر: «دورتر» و «مهجورتر»، «اشکباران» و «سوگواران» / نقش دستوری واژه‌های قافیه ابیات «الف، د» ← مسند

ب: «کنعان» متمم؛ «گلستان» مسند

ج: «تاج» مفعول؛ «محتاج» مسند

فعل «گنجاندن» برای اجرا کردن تنها به نهاد و متمم نیاز دارد که نمودار آن را در گزینه «۲» می‌بینیم.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در جمله‌های «صاحب دیوان ما گویی حساب نمی‌داند» و «نشان حسبه‌الله در این طغرا نیست»، گروه‌های «صاحب دیوان ما» و «نشان حسبه‌الله» نهاد هستند.

۲۱. گزینه ۴

۲۲. گزینه ۱

۲۳. گزینه ۴

۲۴. گزینه ۱

۲۵. گزینه ۳

۲۶. گزینه ۴

۲۷. گزینه ۲

۲۸. گزینه ۲

۲۹. گزینه ۲

گزینه ۲: در جمله‌های «من در نظر یار خاکسار شدم» و «رقیب چنین محترم نخواهد ماند»، «من» و «رقیب» نهاد هستند.

گزینه ۳: در جمله‌های «قامت من حلقه شد» و «رقیب دگر ما را به هیچ بابی زین در نراند»، «قامت من» و «رقیبیت (رقیب تو)» نهاد هستند.

گزینه ۴: در جمله‌های «همه کس طالب یارند» و «همه جا خانه عشق است» گروه‌های «همه کس» و «همه جا» نهاد هستند.

۳۰. گزینه ۲

فعل گزینه‌های «۲ و ۴» به مفعول نیاز دارد. در گزینه «۴» «دهان» مفعول است؛ پس تنها گزینه باقی‌مانده «۲» است که گروه‌های «آن خال معبر، آن خط مسلسل» نقش مفعولی دارد.

۳۱. گزینه ۲

اجزای جمله صورت سؤال «نهاد (من)، مفعول: وسعت تو، متمم: سخن تنگ‌مایه، فعل: گنجانم»  
گزینه ۲: نهاد: بزرگی، مفعول: گوسفندی، متمم: دهان و دستِ گرگی، فعل: رهانید

پس هر دو جمله سه‌جزئی گذار به مفعول هستند.

۳۲. گزینه ۲

بازگردانی جمله ← «چشم درست گشت»؛ «چشم» ← نهاد؛ «درست» ← مسند

۳۳. گزینه ۳

«خانواده» ← متمم؛ «خود» ← مضاف‌الیه؛ اسمی که پس از حرف اضافه بیاید متمم است / اسم یا ضمیری که پس از نقش‌نمای اضافه بیاید، مضاف‌الیه است.

۳۴. گزینه ۴

نقش‌ها در بیت صورت سؤال: ضمیر «م» مضاف‌الیه «تنم» / ضمیر «م»: مفعول برای فعل «بدوزی»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: چیزی: نهاد، رهگذر: متمم

گزینه «۲»: من: مضاف‌الیه، یار: مضاف‌الیه

گزینه «۳»: م: مضاف‌الیه «دل»، بهار: مضاف‌الیه

گزینه «۴»: شاخ: مفعول برای فعل «گذاشت»، اغیار: مضاف‌الیه

۳۵. گزینه ۱

قافیه: دامن، گردن / کشته، دامن: نهاد / گردن، غم: مفعول

۳۶. گزینه ۱

بیت اول حرف پیوند ندارد، پس جمله غیرساده ندارد. در سایر ابیات، حرف پیوند «که» و «گر» جمله غیرساده ساخته‌اند.

۳۷. گزینه ۲

وجود حرف پیوند «که، تا» در سایر گزینه‌ها نشانه غیرساده بودن جمله‌هاست.

۳۸. گزینه ۴

در گزینه‌های «۱ و ۲ و ۳»، «چو، گر، که» پیوند وابسته‌ساز است و جمله غیرساده می‌سازد ولی در گزینه «۴»، «چون» به معنی «مانند» و حرف اضافه است و جمله یک فعل بیشتر ندارد.

۳۹. گزينه ۲

روش يافتن نقش و جايگاه ضماير پيوسته: صورت ناپيوسته ضمير پيوسته را به جاي آن در جمله قرار مي دهيم، سپس با مرتب سازي جمله، نقش آن را در عبارت مشخص مي کنيم. «تنم: تن من»، مضاف اليه / «به تيرم بدوزي: من را به تير بدوزي»، «م: مفعول» بيت گزينه «۱» دو جمله ساده دارد:

۴۰. گزينه ۱

۱- خدنگ چشم تو در جان خاص و عام نشست.  
۲- کمند زلف تو در حلق شيخ و شاب افتاد.  
حرف پيوند (حرف ربط) جمله پايه و پيرو را باهم تركيب مي کند و جمله غير ساده به وجود مي آيد که در بيت اول اين گونه نيست. در ساير ابیات، «که، هرچند، تا» حرف پيوند هستند.

۴۱. گزينه ۳

مادرم و زمانه ← نهاد / نام من و من ← مفعول / مرگ تو و پتك ترگ تو  
← مسند / کرد ← فعل  
هماورد تو

۴۲. گزينه ۱

۴۳. گزينه ۲

(به ابر اندر) در گذشته گاهي براي يك متمم، دو حرف اضافه قبل و بعد از متمم مي آورده اند که امروزه براي بازگرداني معمولاً اولي حذف مي شود. اين شرايط در ساير گزينه ها نيست و هر کدام فقط يك حرف اضافه دارند.  
«تو» در گزينه چهارم متمم است. «تو را بياموزمت کارزار» معادل «به تو کارزار را مي آموزم» است.

۴۴. گزينه ۴

۴۵. گزينه ۲

۴۶. گزينه ۱

۴۷. گزينه ۱

خدای: متمم / من: مضاف اليه / خيراندیش: مسند  
اندر: حرف اضافه / گفت: متمم  
خواجه (که محذوف است) ← نهاد / هديه ها ← مفعول / درویش ← متمم / مي داد ← فعل

۴۸. گزينه ۴

۴۹. گزينه ۳

۵۰. گزينه ۱

نشانی: مفعول ← نشانی را نيافتيم.  
«دل» مناداست ← ای دل  
گزينه «۲»: شوق پرواز  
گزينه «۳»: سخن  
گزينه «۴»: شور و شوقي  
گزينه «۴» جمله دوجزئي با فعل ناگذر است.

۵۱. گزينه ۴

۵۲. گزينه ۳

غنيمت دارش ← آن را غنيمت بدار  
مفعول  
گوي خيري که تواني ببر از ميدانش ← از ميدان آن گوي خيري را که مي تواني ببر  
مضاف اليه

۵۳. گزینه ۳

مگر درد اشتیاق ساکن شود شکل مرتب شده ← مگر دردِ اشتیاقِ من ساکن شود.  
مضاف‌الیه

ببینمش ← او را ببینم.  
مفعول

۵۴. گزینه ۴

بگویمت زین گونه امروز یال شکل مرتب شده ← امروز یالِ تو را زین گونه می‌گویم (جهش ضمیر)

۵۵. گزینه ۲

صورتِ امروزی عبارت چنین است: مردِ خود مُرده بود؛ زیرا جلاد رسن (طناب) را به گل‌پیش افکنده بود و خفه کرده [بود] و همان‌طور که دیده می‌شود، «ش» مضاف‌الیه «گلو» است. در این عبارت جهش ضمیر اتفاق افتاده است.

۵۶. گزینه ۳

ضمیر متصل «ش» در «دادمش» نقش متممی دارد ← دل را به او دادم. اما در سایر گزینه‌ها ضمیرهای «ت» و «ش» جهش یافته و نقش مضاف‌الیهی دارند. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «فلک دست نگیرد» ← فلک دست تو را نگیرد

گزینه ۲: «آب حیوانش ز منقار بلاغت می‌چکد» ← آب حیوان از منقار بلاغت او می‌چکد

گزینه ۴: «از شش جهتم راه ببستند» ← از شش جهت راه مرا بستند

ضمیر «ت» در این گزینه متمم است و در سایر گزینه‌ها نقش مضاف‌الیهی دارد.

ضمیر «م» در گزینه ۱ نقش مفعولی دارد اما در سایر گزینه‌ها نقش متممی دارد.

گزینه ۲: «که این تازه برات را به من دادند»

گزینه ۳: «در آن از جلوۀ ذات، خبر را به من دادند»

گزینه ۴: «به آن جور و جفا صبر و ثبات را به من دادند»

فعل «شد» در گزینه ۲ اسنادی است و به مسند نیاز دارد.

چو شب، روز شد

نهاد مسند

اما در سایر گزینه‌ها فعل «شد» به معنی «رفت» است و غیراسنادی است.

گزینه ۱: «کاری نکردیم و شد روزگار: کاری نکردیم و عمر گذشت و سپری شد. گزینه ۳: «چو بانو چنان دید، شد سوی کوه: وقتی بانو آن‌گونه دید به طرف کوه رفت.

گزینه ۴: «به بارگاه او ملک ز خلد شد: فرشته به امید درگاه او از بهشت رفت.

واژه «سیر» در گزینه ۲ نقش «قیدی» دارد، زیرا قابل حذف است.

روباره از آن سیر خورد.  
نهاد متمم قید فعل

۶۰. گزینه ۲

۷. نقش قسمت‌های مشخّص شده در کدام گزینه درست توصیف شده است؟

- ۱ گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغلّه زن، چهره‌نمّا، تیزپا (مسند)
- ۲ گفت درین معرکه، یکتا منم تاج سر گلبن و صحرا منم (مفعول)
- ۳ تویی رزاق هر پیدا و پنهان تویی خلّاق هر دانا و نادان (مسند)
- ۴ زهی گویا ز تو، کام و زبانم تویی هم آشکارا، هم نهانم (قید)

۸. نقش‌های دستوری واژه‌های «باران» و «خاک» در بیت زیر چیست؟

«قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک»

- ۱ مضاف‌الیه، متمّم
- ۲ صفت، مضاف‌الیه
- ۳ صفت، متمّم
- ۴ مضاف‌الیه، مضاف‌الیه

۹. نقش دستوری کدام واژه مشخّص شده با نقش دستوری واژه «عقل» در بیت زیر یکسان است؟

«دوش مرغی به صبح می‌نالید / عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش»

- ۱ به مجلس کرم از ساقی‌ای طلب کن جام / که تا ابد نکنی عرض احتیاج به جم (جام)
- ۲ حسن تو دارد دو حق بر من محزون که هست / عشق مرا راهبر عقل مرا راهزن (محزون)
- ۳ خورشید اگر صعود کند صد هزار قرن / مشکل اگر به نعل سمنندش کند قرآن (خورشید)
- ۴ می‌برد از اژدها افعی رمحش سبق / می‌دهد از ذوالفقار شعله تیغش نشان (رمح: نیزه) (رمح)

۱۰. در کدام گزینه، فعل «نیست» مسند ندارد؟

- ۱ چون به تلبیس به دام آوری اکنون چاره نیست / بگذر از تزویر و بگذار ای پسر تلبیس را
- ۲ غریب نیست اگر شد ز خویش بیگانه / هر آن غریب که گشته است آشنای شما
- ۳ عیب مجنون گو مکن لیلی که شرط عقل نیست / گر نداند حال دردش گو برو بنگر در آب
- ۴ سرد باشد هرکه او بی مهر رویی دم زند / چون دم مهر از دل گرم است از آن‌رو سرد نیست

۱۱. نقش دستوری کدام واژه مشخص شده در ابیات گزینه‌ها، با نقش دستوری «گهر» در بیت زیر

یکسان است؟

«قطره باران که درافتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک»

- ۱ بر گل خودروی رویت کآبروی حسن از اوست / سبزه سیراب را بنگر چو نیلوفر در آب (سبزه)
- ۲ مردم دریا نیندیشد ز طوفان زان سبب / مردم چشمم فرو بُردست دایم سر در آب (دریا)
- ۳ عیب مجنون گو مکن لیلی که شرط عقل نیست / گر نداند حال دردش گو برو بنگر در آب (آب)

- ۴ چون به نوک خامه خواجه شرح مشتاقی دهد / چشم خونبارش دراندازد روان دفتر در آب (چشم)

۱۲. در بیت زیر، نقش دستوری واژه‌های «مرد» و «چشم» به ترتیب کدام است؟

«قحط تا حلّی که مرد از فرط بی‌قوتی چو شمع چشم خود را سوختی در آتش و بردی به کار»

- ۱ نهاد، نهاد
- ۲ نهاد، مفعول
- ۳ مفعول، نهاد
- ۴ مفعول، مفعول

### ۱۳. در کدام گزینه «مسند» وجود دارد؟

- ۱) چو در وقت بهار آبی پدیدار
- ۲) فروغ رؤیت اندازی سوی خاک
- ۳) حقیقت پرده‌برداری ز رخسار
- ۴) عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

### ۱۴. در همهٔ ابیات گروه اسمی مشخص شده در جایگاه مفعول است، به جز:

- ۱) چون بگشایم ز سر مو، شکن
- ۲) یکی قطره باران ز ابری چکید
- ۳) الهی، فضل خود را یار ما کن
- ۴) نعره برآورده، فلک کرده کر
- ماه ببیند رخ خود را به من
- خجل شد چو پهنای دریا بدید
- ز رحمت، یک نظر در کار ما کن
- دیده سیه کرده، شده زهره در

### ۱۵. در کدام بیت، هم «نشانهٔ ربط یا پیوند» و هم «مفعول» وجود دارد؟

- ۱) گفت: در این معرکه که یکتا منم
- ۲) زمین نمط آن مست شده از غرور
- ۳) چشمهٔ کوچک چو به آنجا رسید
- ۴) لیک چنان خیره و خاموش ماند
- تاج سر گلبن و صحرا منم
- رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور
- وان همه هنگامهٔ دریا بدید
- کز همی شیرین‌سخنی، گوش ماند

### ۱۶. نقش دستوری کدام واژه مشخص شده، با نقش دستوری واژهٔ «جانور» در عبارت زیر یکسان

است؟ «صاد، هرگز جانوری از پهلو نکشید.»

- ۱) بیا تا در می صافیت راز دهر بنمایم / به شرط آن‌که نمایی به کج طبعان دل کورش
- ۲) از سخن چنان ملالت‌ها پدید آمد / گر میان همنشینان ناسزایی رفت رفت
- ۳) پند حکیم محض صواب است و عین خبر / فرخنده آن کسی که به سمع رضا شنید (محض)
- ۴) واعظ شحنه‌شناس این عظمت کو مفروش / زان که منزلگه سلطان دل مسکین من است (من)

### ۱۷. معنای فعل «شدن» در کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

- ۱) روز سیم به مجلس وزیر شدیم.
- ۲) بعد از آنکه حال دنیاوی ما نیک شده بود.
- ۳) روزی به در آن گرمابه شدیم.
- ۴) چندان که ما در حمام شدیم، همه بر پای خاسته بودند.
۱۸. با توجه به مصرع «چنین است رسم سرای درشت» کدام گزینه درست است؟

- ۱) «چنین» مسند است.
- ۲) «سرای» نهاد است.
- ۳) «سرای درشت» مفعول
- ۴) «چنین است» فعل

### ۱۹. نقش دستوری کدام واژه متفاوت است؟

- ۱) شدم ز دست تو شیدای کوه و دشت و هنوز / نمی‌کنی به ترخم نطق سلسله سست (شیدا)
- ۲) تا شدم حلقه به گوش در می‌خانه عشق / هر دم آید غمی از تو به مبارک بادم (حلقه به گوش)
- ۳) حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد / شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی (همجران)
- ۴) به وقت گل شدم از توبه شراب خجل / که کس مباد ز کردار ناصواب خجل (خجل)

۲۰. نقش دستوری دو واژه کدام گزینه، با نقش دستوری واژه‌های «زلف» و «م» مشخص شده در بیت زیر برابر است؟

«گفتم که بوی زلف، گمراه عالم کرد      گفتا اگر بدانی، هم اوت رهبر آید»

- ۱ به جان قصدت کند دشمن چو داری دوستی در دل / صدف مجروح از آن گردد که لؤلؤ در میان دارد (دشمن، مجروح)
- ۲ برین سر راست ناید تاج وصلش / ز بهر تاج باید ترک سر کرد (تاج، «ش» پس از وصل)
- ۳ روز وصل تو که عید است و منش قربانم / هر سحر چون شب قدرش به دعا می‌خواهند (وصل، «ش» پس از قدر)
- ۴ میدان وصل او ز پی عاشقان اوست / وین گوی دولتیست که ایشان همی برند (او، ایشان)

۲۱. در کدام گزینه هر دو جمله سه جزئی گذار به مسند است؟

- ۱ هیچ ستاره نیست که وام‌دار نگاه تو نیست.
- ۲ یوسفی که در مصر بود، صدیق و وفادار بود.
- ۳ در عالم نعمت بسیار است و لکن آب نیکوترین نعمت‌هاست.
- ۴ زینت قرآن، بی‌جمال بهشت تمام است و زینت بهشت، بی‌جمال و کمال قرآن ناتمام است.

۲۲. در کدام بیت کلمه مشخص شده نقش دستوری متفاوتی دارد؟

- ۱ گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز      گفتا ز خوبرویان این کار کم‌تر آید
- ۲ گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت      گفتا تو بندگی کن کاو بنده‌پرور آید
- ۳ گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم      گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید
- ۴ گفتم زمان عشرت، دیدی که چون سرآمد      گفتا خموش حافظ، کاین غصه هم سرآید

۲۳. پس از بازگردانی بیت زیر «م» پس از «تاج» و «م» پس از «بند»، به ترتیب بعد از کدام کلمه‌ها قرار می‌گیرند؟

«اگر تاجم نهد بر سر غلام حلقه در گوشم      وگر بندم نهد بر پا اسیری بند فرمانم»

- ۱ «حلقه»، «بند» دوم در مصراع دوم      ۲ «حلقه»، «پا»
- ۳ «سر»، «بند» دوم در مصراع دوم      ۴ «سر»، «پا»

۲۴. نقش دستوری کدام واژه در بیت، با نقش دستوری «ش» در مصراع نخست بیت زیر یکسان است؟

«گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست      این رستخیز عام که نامش محرم است»

- ۱ زان می عشق کز او پخته شود هر خامی / گرچه ماه رمضان است بیاور جامی (جام)
- ۲ مرغ زیرک به در خانقه اکنون نپرد / که نهاده‌ست به هر مجلس وعظی دامی (مرغ)
- ۳ گله از زاهد بدخو نکنم رسم این است / که چو صبحی بدمد در پیاش افتد شامی (اش) (پس از «پی»)
- ۴ یار من چون بخرامد به تماشای چمن / برسانش ز من ای پیک صبا پیغامی (ش) (پس از «برسان»)